

(عصر ظهور شعرای بزرگ)

در هر نژاد و کشور و در هر قوم و مات ظهور شعرای بزرگ منحصر باعصار خاص و قرون مخصوصی است چنانکه در نژاد تازی و اقوام عرب ظهور شعرای بزرگ جاهلیت و اسلام پنج شش قرن که هر قرن صد سال باشد منحصر میگردد .

شعرای بزرگ جاهلیت از قبیل امرء القیس و عنترة بن شداد و دیگران منحصر بیکی دو قرن قبل از اسلام و شعرای بزرگ اسلامی در طی چهار قرن پس از اسلام ظهور کرده و پس از آن دیگر همانند آن شعرای بزرگ تاکنون یافت نشده و شاید پس از اینهم یافت نخواهد شد .

شعرای بزرگ ایران و قهرمانان سیخن فارسی نیز در میدان پنج شش قرن و پانصد ششصد سال بکه ناز و پیدایش آنان در حدود قرن سوم و چهارم بارودگی آغاز گردیده و باخواجه حافظ شیرازی در اواخر قرن هشتم انجام یافته است در اروپا هم حال بدین منوال و ظهور شعرای بزرگ در آلمان و انگلیس و فرانسه از قبیل گوته - شکسپیر - ولتر - روسو - و دیگران بیکی دو قرن انحصار داشته و پس از آن تقریباً از يك قرن باینطرف دیگر نظیر آن شعرای بزرگ در مهد اروپا پرورش نیافته و شاید پس از اینهم نخواهد یافت .

آیا سبب این انحصار چیست

بعضی گویند این وقایع اتفاقی است و بر اثر گردش اختر و پیش آمده روزگار گاهی نوابغ بزرگی مانند نظامی و سعدی و دیگران ظهور کرده و پس از آن باز قرنها باید تا بر حسب بیز اختر مثل و نظیر آنان از عالم غیب آشکار گردد .

ولی حق اینست که قران انجم و گردش افلاک هیچ گونه مدخلیتی در این کار نداشته و قضا و قدر را در این باب تأثیری نیست مبدء فیاض بخل

و امساك ندارد و چنانكه حكيم نظامی فرماید .

نیست قضا ممسك و قدرت بخیل .

پس علت اصلی و سبب حقیقی این انحصار همانا خواستن جامعه و فراهم ساختن اسباب نبوغ و عظمت است .

آنچه را طبیعت ایجاد میکند اختصاص بزمان ، یا مکان خاص ندارد و استعداد فطری بشر در تمام اعصار پایدار و برقرار است . لیکن اوضاع و احوال يك کشور و يك جامعه بر آثار نیست و جامعه گاهی جوینده و خواهنده شعر و سخن گاهی دیگر طالب صنعت و ثروت و گاهی طلبکار جنگ و جدل و غارت و خونریزی است .

دامن قدرت ایران هیچگاه از صاحبان استعداد فطری و سعدی و نظامیهای بالقوه تهی نیست ولی مهد پرورشی باید تا این فرزندان با استعداد را بسرحد نبوغ و بلوغ رسانیده جهانرا باشعه انوار خورشید سخن آنان روشن سازد . در عصر سامانیان و غزنویان تمام بزرگان شعر دوست و شاعر پرور و دربارها بشاعر بزرگ نیازمند و به پیروی آنان نیز تمام طبقات باشاعر و ادب آشنا و تمام مردمان با استعداد در مدارس عصر که قسمت اعظم تدریس در آنجاها علوم ادبی بود بتحصیل ادب مشغول و در حقیقت تمام افراد جامعه با ذوق و ادب و دانش آشنا بودند .

پس بعلاوه آن مدارس بزرگ سرتاسر جامعه مدرسه و هر مجمعی دبیرستانی بود که صاحب استعداد در آن بتحصیل و تکمیل قوه خویش میپرداخت و در تمام عمر کاری جز شعر و شاعری و خواندن و گفتن و مطالعه شعر نداشت در نتیجه چنین جامعه و چنان مدارس مرد صاحب استعداد و گوهر پس از سی سال در شیراز سعدی و در گنجه نظامی و در خراسان فردوسی میشد .

شاعری گویند و بظاهر میدانم جلال الدین عضد یزدی است

قطعه

چار چیتراست که گرجم شود در دل سنک

لعل و یاقوت شود بهات خائنی

باکسی طینت و اصل گهر واستعداد

پرورش کردن مهر از فلک مینائی

بنده را این سه صفت هست ولی میدایه

پرورش از تو که خورشید جهان آرائی

تغییر جامعه ادب در ایران از آغاز حمله مغول پیش آمد و بتدریج

بساط گسترده شعر و ادب سامانی و غزنوی و سلجوقی برچیده شد بحدی که در اواخر سلطنت صفوی دیگر نام و نشانی از آن باقی نماند .

عصر مغول - روزگار جنگ و آشوب و قتل و غارت و نهب و اسارت

بود و جامعه را فرصت آنکه بشعر و ادب یا حکمت پردازد درکار نبود .

عصر صفوی - هم روزگار ترویج صنایع و اصول مذهبی و جنگ و فتنه

بود که درحقیقت آن هم از مغول یادگار مانده و در آن زمان بشکل دیگر جامعه را

سرگرم و از کسب ادب و حکمت و شعر باز میداشت

در عصر صفوی - بسا مقارن شعرای بزرگ ایران بسبب سنی بودن

از بنیاد ایران و بسا دیوان شعرای اسانید درجه اول دستخوش فنا گردید .

شعرای بزرگ باستانی صاحب دیوان که امروز جز نامی از آنان در

تذکره ها دیده نمیشود بیشتر در عصر صفوی دیوان آنان دستخوش هوا هوس

جهال گردیده است :

هر چند عصر مغول و خرابیهای جنگی هم از سوختن و نابود کردن

دو این شعر فرو گذار نکرد ولی آنچه باقی ماند در عصر صفوی از دست رفت ،

در اصفهان نسخه نفیسی از سنائی مرا بدست افتاد بخط و تصحیح و

حواشی ملا عبدالرحمن جامی که اینک در کتابخانه ارمغان موجود است .

در اواسط کتاب یکی از جهال عصر در حاشیه نوشته است

« اگر نبود که نام خدا و پیغمبر و امیرالمؤمنین علی در این کتاب هست هر آینه این کتاب را در آتش میسوختم تا دیگر عبدالرحمن جامی »
این نمونه از عقیده عمومی آنزمانست و بسا دیوان شعر و کتب که بر طبق این اصل سوخته و در آب افتاده و امروز چندانکه جستجو میکنیم اثری از آنها نمیابیم .

اروپا نیز چون از یکقرن باینطرف بش ازبیش طلبکار تجارت وجوای صنعت و جنگ وجدل گردید ناگزیر از جستجوی ادب وشاعر وشعر باز ماند و بهمین سبب دوره شعرای بزرگ و نواغ در آنسرزمین هم سپری گردید .
آری چنانکه حکماگویند احتیاج خلاق است و هر کشوری هرگاه حاجتمند چیزی شد آنرا ایجاد خواهد کرد اروپا امروز محتاج هواپیما وسلیح نبرد و اختراعات جنگی است و همانرا تا سر حد کمال ایجاد کرده است .
و اگر روزی محتاج شعر و ادب شد دوباره نواغ بزرگ را ایجاد خواهد کرد

شاعر نابغ از آغاز عمر تا آخر زندگانی باید همیشه بکار شعر و ادب مشغول بوده بشغل دیگر دست نزند و راهی دیگر در پیش نگبرد تا بسرحد نبوغ وعظمت برسد ولی امروز بحکم مقتضیات در اروپا و شرق اگر کسی را استعداد وسرمایه طبیعی برای شعروسخن در کار باشد ناگزیر بمقداری از اوقات عمر را صرف صنایع ومقداری را مصروف امور زندگانی و استخدام یا تجارت و زراعت میکند وباینحال مسلم استعداد شعروادب و قوه غریزی تحلیل رفته ودست کم از نمو باز میماند و کسیکه بحکم طبیعت بایستی شاعر نابغ وبزرگ باشد بفرمان مقتضیات جزئیك شاعر حد وسط بر قیمت چیزی نخواهد شد و هیچ تقریظ دروغ وآفرین هم اورا بمقام نبوغ نخواهد رسانید .